

دین و مذهب اسلام و به ویژه شیعه؛ نقطه اول مهندسی فرهنگ

شوروی سابق و مهندسی فرهنگی در چین کمونیست گفت: اینها دو مهندسی بزرگ و دو کار بزرگ داشتند که ما خوشبختانه نصف آن را عهده‌دار هستیم البته هر دو شکست خوردند. این می‌خواستند مهندسی کنند تا ایدئولوژی سیاسی که همان سوسیالیسم و کمونیسم باشد جایگزین دین شود. این یک نقشه بزرگی بود که از لنین شروع شد و هنوز هم شاگردانش آن را دنبال می‌کنند اما موفق نشدند. ایدئولوژی سیاسی

مهندسی فرهنگی و آغاز این کار در ایران باشد. وی افزود: فرهنگ زیربنای جامعه انسانی است. فرهنگ همیشه در حال تغییر و حرکت است. فرهنگ یک جریان است. در آمریکا از آغاز جمهوریت تا امروز وزارتخانه‌ای به نام فرهنگ وجود ندارد. برای اینکه آنها فکر می‌کنند فرهنگ خیلی بزرگتر از یک وزارتخانه است. فرهنگ به تمام وزارتخانه‌ها تعلق دارد و همه بخشهای خصوصی به ویژه سرمایه‌داری آمریکا که بخش

پروفسور حمید مولانا در افتتاحیه همایش ملی مهندسی فرهنگی گفت: ۲۸ سال از انقلاب شکوهمند ایران می‌گذرد. انقلاب اسلامی ایران از جنبه‌های بسیار وسیع؛ یک انقلاب فرهنگی بود. امروز که سه دهه از انقلاب می‌گذرد؛ شاهد آن هستیم که مهندسی فرهنگی، مدیریت فرهنگی و سیاستگذاری این نظام در دستور قرار گرفته است. امروز تنها ما نیستیم که از مدیریت فرهنگی صحبت می‌کنیم. در سال‌های گذشته و حداقل



نتوانست جایگزین ایدئولوژی دینی و مذهبی باشد. روی دیگر این سکه در مهندسی شوروی سابق و چین امروزی از زمان مائو، استالین و لنین تا امروز این بود که مهندسی و زیرساخت فرهنگ سوسیالیستی را به وجود بیاورند. علت فروپاشی شوروی سابق عقب‌ماندگی در علم، سواد، بهداشت و چیزهایی از این قبیل نبود. موقعی که ۲۵ درصد مردم آمریکا بی‌سواد بودند شوروی فقط یک درصد بی‌سواد داشت. تعداد دانشجویانش بیش از آمریکا بود. شمار بمبهای اتمی نزدیک همان بود که آمریکایی‌ها داشتند. پس چرا شکست خوردند؟

اقتصاد، مالی و بازرگانی را کاملاً در دست دارد باید مهندسی این کار را بدست بگیرد. تا حدودی در انگلستان هم همینطور است. این یک الگو است. در فرانسه به طور رسمی مهندسی فرهنگی از اواخر قرن هجدهم و چند سال قبل از انقلاب کبیر فرانسه شروع شد و ادامه پیدا کرد. مراحل موفقیت آمیزی هم داشت و البته در برخی مراحل با شکست مواجه شد. تجربه ناموفق و عینی کشورهای سوسیالیستی، فاشیستی و لیبرال امروزی باید برای ما درسی باشد. مولانا در مورد تفاوت مهندسی فرهنگی در

برای دوپست سال اخیر این موضوع یکی از چند موضوع اصلی و حیاتی بسیاری از جوامع به ویژه جوامع غرب بوده است. مهندسی فرهنگی مقدم و دریچه‌ای بر انقلاب صنعتی، استعمار، سلطه‌گرایی و قدرت و صیانت قدرتهای بزرگ بوده و هست. این خود احتیاج به یک مطالعه و بررسی دقیق علمی و تطبیقی دارد که باید جزء برنامه‌های

نخستین

همایش

ملی

مهندسی

فرهنگی



برای اینکه نتوانستند مهندسی فرهنگی انجام دهند.

وی با تأکید بر تفاوت بین انقلاب ایران با انقلاب فرانسه و شوروی گفت: انقلاب ما؛ مذهب و دین ما را زنده کرد و انقلاب فرانسه برعکس بود. انقلاب شوروی و انقلاب کمونیستها هم همینطور بود. بنابراین ما نباید نگرانی داشته باشیم و چیزی که

داشته‌ایم را کنار بگذاریم.

آن چیزی را که داشته‌ایم

باید بشناسیم نه اینکه

تقلید کنیم. کار ما سنگین

و بزرگ و بسیار مهم‌تر از

انقلابات دیگر است. چون

ما راهی را می‌رویم که در

فرهنگ ما است. ولی آنها

راهی را رفته‌اند که علیه

فرهنگ شان بود.

استاد دانشگاه هاروارد:

الگوی فرهنگی ما را

در مهندسی فرهنگی

الگوی متعالی خواند و

در مورد عوامل بزرگ

مهندسی فرهنگی گفت:

ما نمی‌توانیم در مورد مهندسی فرهنگی صحبت کنیم بدون اینکه راجع به دین صحبت کنیم دین در راس همه عوامل قرار می‌گیرد، هیچ کجای دنیا و در هیچ مقطع تاریخی شما نمی‌توانید راجع به

فرهنگ صحبت کنید؛ بدون اینکه راجع به دین، حتی در دنیای بی‌دینی صحبت کنید. بنابراین دین و مذهب اسلام و به ویژه شیعه باید نقطه اول مهندسی ما در فرهنگ باشد. عامل دیگر اقتصاد است. شما اگر به تمام اصول سرمایه‌داری مسلط امروز دنیا باور داشته باشید و سیاست‌گذاری در آن جهت باشد اصلاً غیرممکن است رسانه

ملی، فرهنگستان‌ها و

سازمانهای دیگر بتوانند

مهندسی فرهنگی کنند.

رابطه بین اقتصاد و

فرهنگ به هم پیوسته

است. در دنیای صد

سال گذشته هیچ چیز

فیزیکی جز فن آوری

اطلاعاتی این همه

انقلاب به وجود نیاورده

است و پایه قدرتها و

قدرتهای فرهنگی هم در

همین نکته نهفته است.

فن آوری اطلاعاتی تنها

فن آوری تکنولوژی

نیست. بزرگترین اثر

فن آوری تکنولوژی تغییر اجتماعی است که دارد جامعه ما را کاملاً دگرگون می‌کند. بدون اینکه ما برنامه و سیاستی برای اخلاق فن آوری اطلاعاتی داشته باشیم، اخلاق نه به معنای خشک بلکه

به معنی ارزشها، سیستم آموزشی و دانشگاهی-حوزوی، بسیار مهم است.

پروفیسور مولانا در پایان گفت: ما باید فرهنگ

خودمان را بشناسیم و ممیزی کنیم و بدانیم یک

فرد چه مقدار اطلاعات؛ از کجا؛ به چه نحو و به

چه شیوه‌ای مصرف می‌کند. ژاپنی‌ها ۵۰ سال

پیش این کار را کرده‌اند و آمریکاییها را به تعجب

انداختند. پرسیدیم چرا این کار را کرده‌اید. ما باید

تناقضات فرهنگی مان را کم کنیم. ما از خودمان

باید بپرسیم که چه تناقضات فرهنگی داریم. اگر

فهرست این تناقضات را نداشته باشیم نمی‌توانیم

مهندسی کنیم و برای آن چاره‌ای پیدا کنیم. باید

مسیر مطلوب و سعادت‌مند فرهنگی خودمان را

پیدا کنیم و بعد ببینیم چگونه می‌توانیم به آرمان

و اهدافمان برسیم. برای سیاست‌گذاری، باید مردم

را در مهندسی فرهنگی مشارکت دهیم. فرهنگ

فقط متعلق به نخبگان و چهره‌های ماندگار و

استاد و دانشجوی این رشته نیست. مردم باید

مشارکت کنند و فرهنگشان را از خودشان بدانند.

مهندسی احتیاج به مدیریت دارد. ما باید خدا را

شکر کنیم که این انقلاب بزرگ را که در تاریخ

چندین قرن گذشته دنیا سابقه نداشت به وجود

آوردیم.

